

نویسند

(وابسته به حزب سوده ایران)

شماره ۱۳ - خنجر ۲ دیماه ۱۳۳۱



سیاست چماق رژیم و شیوه مبارزه با آن

سیاست و شیوه جدید رژیم شاه - سواکت و هدف های که در پشت چماق ها پنهان است بخاطر نگیدند .
سیاست چماق هدف درگاه ای واقعیتی که :
۱- انحراف توده مبارزان از هدف اصلی و
۲- تجزیه مخالفان و کاهش نیروی جسمی آنها .
دوازده در صفحه ۲

هفته گذشته لاجمان صحنه نمایش فکرتی بود که در آن زشتی و سوسالی و نترت در سرمای تیره رژیم شاه سواکت و اوج تازه ای گرفت. در سر بان این نمایش ماهی پور شکسته و منوچهر هزارخانی و اسلام کاظمی در بین از اعضای کسانین نوسندگان ایران که در دعوت دانشجویان برای آزاد شدن به مدرسه عالی راهپیمایی بودند ، با هجوم چاکشان و دانه پندان و چماق به دست های سواکت روپرو شدند . در این صحنه در ندهای دگر هزارخانی شکست ، کاظمی با خیره دگر و مجروح شد و تعدادی از دانشجویان به خانه و مسون در غلظت پند .

توطئه وسیع ضد دانشگاهی رژیم

و ۱۲۰ دانشمندی دانشگاه صنعتی تهران احرار بر روی آرزو آن ها تحت تعقیب قرار گرفتند . گفته می شود سواکت گردانندگان این نیروی و فرهنگ و از جمله گردانندگان شبهای سخنرانی دانشگاه صنعتی راجت تعقیب قرار داده است . بر اساس گزارش های رسیده به دانشگاه فنی به تکی تعطیل شده و مدرسه عالی برنا بر روی و گریز در گامی بر تری ۱۱۰ دانشجو محصل شده است . در مدرسه عالی به تهران به دنبال تعطیل و تظاهرات دانشجویان در روز ۱۵ آذر ، چهار تری از دانشجویان دستگیر شده اند . در انستروای راهنمایی تحصیلی ساری نیز به دنبال چند روز تعطیل و اعتراض و تظاهرات وسیع به پاس علیه رژیم اشغالگری ۷ تن از دانشجو بان توسط همان رژیم بازداشت و از آزادانه تحصیل محروم شده اند . همچنین تعدادی از هنرمندان دختر آموزشگاه عالی بهداشت ساری به دنبال تظاهرات ضد رژیم به خاموشی ۱۶ آذر (روز دانشجویان) دستگیر شده اند که گفته می شود در نتیجه دستگیر شدن بهسه در دستگیری ساری فرستاده شده است اما دانشجویان نماندند می دانند که تمام مراحل بازجویی و بازجویی زیر نظر سواکت ها می آید از می شود .

در میان توطئه سکتی که با انواع صحنه سازیها و محرکه گویی همراه است ، بهوش گسترده ای به دانشگاه ها تازیده است . دانشگاه های ایران سالیانست در دستک طاوت و سواکت و بی اختیار و بدبختی اند . رژیم از تویو آگاه کننده و وسیع روز افزین دانشجویان را ستادان دانشگاه در مد انتر و عظیم خلق های ما واز پیوند به توسعه این جنبش و تنظیم و اشتراکی با جنبش های مردم آگاه است . واهه او در این آگاهی است . جنبش دانشگاهی علی رغم ناخوش و نازهای آشکار و پنهان رژیم علی رغم دسیسه های ضادی ضد دانشجویی ، علی رغم سلطه گردن کارگزاران و در زمین سواکت در محیط دانشگاه و استفاده از وسیع وسائل ارباب و بنده یه دیده و تطبیح و اسال جان دانشجو بان که ابراج همچنان شور و غیور در رخا بانها و گروه ها بازر های شهرهای دانشگاهی این روزها جاری شده است . غیره ای که به مارسیده حاکی از آنست که رژیم برای سرکوب کردن این طغیان های آمویشی دانشگاهی زده است . جنگل نتر از استقامت دان دانشگاه تهران در هیا استادان و استادیار و دستیار دیگر دانشگاه ها که با سیاست های ترویجی ، ضد پتری و ضد دانشگاهی رژیم اعتراض بان مظلله می کنند . در آستانه برکتری اند . دستور تعطیل دانشگاه ها یکی پس از دیگری صادر می شود ، اما با تعطیل هر دانشگاه ، اعتراض ها و انضباطی آزاد به راه انداختن دانشگاهی و طبعی تازه ای می یابد . بلند گویای تبلیغاتی رژیم همچنان بدبختانه تلاش دارند . جنبش گسترده و اوج گرفته اعتراضی علی رغم خرد گامه و رگوبله ، سطحی وسیع شده نشان دهنده در طاق عریه های حیوانی مشتق چاکشور و دانه بند و توجیم وابسته عنوان به اصطلاح بانگ اعتراضی مردم (۱) علیه جنبش آزادی خواهانه مردم جا هستند . در این گوی در نبرد آزادی و وابسته به تاکنن جمع زبانی از دانشجویان دانشگاهی تنها به جسمم آزاد به خواهی از تحصیل دانش محروم شده اند . جرم آن ها طلب محیطی و افضای و فارغ از حضور و پایی سواکت و دانشگاهی است . بر اساس آخرین گزارش های رسیده به ناگهان از دانشگاه تهران جمعا ۲۵۰ دانشجوی (۲) دانشگاه فنی (۳) نتر اقتصاد ۷ نفر بطول ۲۱ نفر بطول پنی ۱۱ نفر بطول احتضنی ۱۱ نفر و ادبیات ۲۲ نفر و کشاورزی ۱۸ نفر و حقوقی ۱۷ نفر و پزشکی ۲۰ نفر و دروس های ۲۹ نفر تخمین ۳۵ نفر (۴) از آراء متصل محروم شده اند . ضمنا ۳۷ دانشجوی دانشسرای تربیت معلم ۱۳ دانشمندی دانشگاه تروسی شدند . ۲۲ دانشمندی دانشگاه رضاشاه ۳۳ دانشمندی مدرسه عالی و زین اساسی و انگیزه ای دانشگاهی ماست به کارگرم

روز دوشنبه گذشته چماق دران شاه دست گل دیگری به آب دادند . آنها دانشگاه آریامه را فری کردند و با تملرهای تحریک آمیز کوشیدند تا دانشجو بان صحنه پوست درگاه نقش جانانه ای در تری و برپوشی آزاد می به عهده گرفته اند ، به کس العمل و مطالبه آزاد و دستاویزی برای به آشوب گشتن دانشگاه و احیای تعطیل آن به مانند . ارتقا و آرایش سواکتی در صد بود و نتایج همان شیوه های کینه و رنگ زد به عیبتگی و هدف بازتاد دانشمندی و آگاهانه آن اعتراض به حکومت استبدادی و اختیاری سیاسی است و نوی همان جوانی و برگری و مشاغل های بین دستجات توتیک دانشجویان جلو و دهند و باسح و تحریف واقعت و هم حسانه رژیم و سلطنتوری جوانان کانسین راز توده ها به پور شانده و همپای تبلیغات صحنی و ضلع خرد و زمینه چینی کنند . اما دانشجویان به برکت شناخت و تجربه فنی که در روزهای گم بارزات صحنی و سیاسی خود فریاد آورده اند و این دسیسه ناشیانه را نترس آ ب کرده اند ، انشای خیمه شب بازی مبتدل سواکت ، نمایش چاکشور کتان حرفه ای را در لباس مبتدل دانشمندی و از سگانه لغت و طلسم دیورا بسنگ گفته .

سیاست چماق و ارباب و تحریک و در هفتت های اغریه صورت ربه رسی حکومتی در آده است . چماق به دست ها ، چینی گسه جانوران برنده به اشاع سلامت آمویز مردم هر کارواستراستی بر روی برنده در صحن دانشگاهی ، به عنوان و الهه بیسن دانشجویان تظاهرات سواکتی به راه می اندازند . همانا طبعی استاد دانشگاه و صحت سوزان و د شاعر مترسور و بدبختی و راز کلا تری به بهایانهای دربان نو می کشند . به فرسایات چوب و چماق شکوه گران این رکنه کانی فوننه ها به بنیایانها رانده شده اند و می سپارند . در ساجد و محافل روانه ها و خوابانها به شخصیت های ملی و مخالفان رژیم ناخت می برند و با آنها با برهان چماق و پنجه برکش و بیافرینند و قدره و تسویه حساب می کنند . در این حال ، جناح دران و قسح حزب نش فرموده ، با هر دو بهای و کوس گزنا بانگ بر می فریاد که " چرا مخالفان از بخت و گت و شتو فراری کنند ؟ " چه گدی می باشد گدی !

مخالفان ملیون را طاعت می کنند که چرا از بخت به سیاسی آریامه بران آن می گزیند ، یعنی که در آن چماق به جای کلمات می شنید و وظیفه محاب کردن به مریض های حرفه ای محسول می شود . آیا این اوج تازه و بدبختی گشته ای در سوسالی و ناطت و توتیک نیست ؟
آنگاه چماق به انحراف و امید و پناهگاه به سکتی به می شود . در بر روی با خود نترانه فراموشان کرده های مکرر فنی ، نه عورت و تعقل و بله ضعف لاعلاج و به چاکشور دانه آبنده ، بلکه مرگ و نیک شویو بر تری سیاسی ، بلکه حرکتی صحنه یک جانور زشتی و به نمانده را به بیشتر می توان احساس کرد . اما این برداشت نباید بارها از جنبه ها و ابعاد مختلف

زندانی برای بار دوم محکوم شدند!

در اوایل سال ۵۲ در ارتباط با مباحثین دستگیر شده سال زندان محکوم شد. او در سال ۵۱ و ۵۰ نیز به محکومیت محکوم شده و ماعد را گذراند. پس از پایان محکومیت دوم در زندان

کشته و این نکه داشته شد. ابراهیم دل آفریده در اوایل سال ۵۲ در ارتباط با حلاجی چریک فدایی خلق دستگیر و محکومیت یافت. پس از پایان محکومیت در شیراز آزاد گردید و اما سه روز بعد او را به کشته اعدام و در بامبارداشت کردند. مدتی از بازداشت غیر قانونی او در این و مدتی نیز در رابطه با بدید ارتباطیگان صلیب سرخ از زندانیان ایران در زندان همدان گذشت است. حبیب الله زمانیان سه سال محکومیت داشت. محکومیت او به سال ۵۰ به پایان رسید و از آن پس به طور غیرقانونی در این و همدان داشته شده است. زمانیان کوهپایه ناز را در زندان همدان گذراند و در همدان به سر می برد.

لازم به تذکر است که در جریان بازبید نخستین گروه از نمایندگان صلیب سرخ حبیبی از زندانیان ایران آن دسته از زندانیانی که دوران محکومیت آن ها به سر آمده و همچنان در بازداشت به سر می بردند و نیز دیگر زندانیانی که آنگاه و آنجا در زندان همدان بازداشت شده بودند و از آن پس به طور غیرقانونی در بازداشتگاه این به سر می بردند. محسن شانه چی (برادر زده شانه چی که در نیمه اول سال ۵۰ در برخورد با مأموران ساواک در خیابان شهید شد)

آن ها در پرونده تطبیق سابق وجود داشته به شرح محکوم شدند:

- ۱- مصعبیاس زاده دهقانی محکوم به ۵ سال زندان
- ۲- رفی الدین تهرانی محکوم به ۵ سال زندان
- ۳- محسن صدری شانه چی محکوم به ۵ سال زندان
- ۴- حبیب الله زمانیان محکوم به ۵ سال زندان
- ۵- ابراهیم دل آفریده محکوم به ۵ سال زندان
- ۶- انزلی ویدت محکومیت ششم غیرقابل اطلاع فرقی نداشت.

مصعبیاس زاده دهقانی (برادر برهیز و اترق دهقانی) در ارتباط با حریک های فدایی خلق دستگیر به چهار سال زندان محکوم شد. مدت محکومیت وی در اوایل سال ۵۰ به پایان رسید. از آن او به طور غیر قانونی در زندانهای این و همدان داشته شد.

رفی الدین تهرانی (دستموی داشتند فنی) فرادین دستگیر شده بود و محکومیت نداشت. او ساعاتی در زندان همدان بود و در آخرین بازداشت به یک سال و نیم زندان محکوم شد. محکومیت او در اوایل سال ۵۰ به پایان رسید و از آن پس به طور غیرقانونی در بازداشتگاه این و همدان به سر می برد.

محسن شانه چی (برادر زده شانه چی که در نیمه اول سال ۵۰ در برخورد با مأموران ساواک در خیابان شهید شد)

خبرهایی که از زندان به طرف ما می رسد اینک دیگر از جمله های زندان و غنای بشری رزم برده بود. بر اساس آن خبرها شرفین از زندانیانی که در تبعید دوران محکومیت آن ها به سر آمده به اشاره ساواک درباره به دادگاه نظامی فرستاده خواهند شد. بوهیک محکومیت جدیدی یافته اند. ساواک طاهره این محکومین در بوهیک محکومیت است و آزادی آنها را عمل گزارش خود می داند. آنهایی که به محکومین دوازده نسبت داده اند و به همین به اسیر نگهبان و درگیری زندان و تبلیغ مبارزات اشتباه است و با محال نتیجه این که ده ای از محکومین در زندان که جرم من در او روی و شغلی تازه را به آن ها نسبت داده اند و در زندان نبوده اند.

وقتی شومان زابری مصادره غیر قانونی جدید به داریس فرستادند آنها به اشتباه صوبه قانونی جدید به تن چشم از زندان و دادگستری راه عنوان وکیل مدافع خود برگزیدند اما داریس ارتش بر بلر توفت و به آنها بدیده کرد که وکلای نظامی را انتخاب کنند. شومان به این حکم تن درند آمد و روی خواست خود بافشاری کردند. در برابر این امر زابری به آنها گزارش داد که این تلا شیا فایده ندارد و حکم محکومیت شما از پیش نوشته شده و هیچ چیز نمی تواند آن را تغییر دهد. سرانجام شومان در روزهای ۱۴ و ۱۵ آگرمه با وکلای تسخیری نظامی به دادگاه رفتند و همان طور که از قبل معلوم بود با وجود آن که هیچ سند و دلیل محکم به سندی علیه

سیاست جهانی رژیم

۱- انحراجنیمه مبارزان آزادی طلبی

دولت مستبد ایران به تنگنا افتاد باست. روشنگری سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در اردو دست دیکتاتور، با پهرمان های صعب و زین آهنین و جلب گروهها و اقل هر چه بیشتر از مردم به میدان مبارزه با حکومت و فعالیت شدن این میدان و صوبه مختلف خود در فرقه و بیست است. در دم هر دو طرف ازین توری می باید. برای افراد و جمعیت های بیشتری قابل در دسترس جنبشها و مبارزات برانگیزه ای که از چندین پیشه حکم مطلق این ضرورت و از بلن جامعه مظلوم شاه زده ما برخواست. در روند طبیعی خود به سوی وحدت گردید و نیروهای گوناگون اجتماعی را بصورت نظر از خط مشی و نظرگاه مبعده و وابستگی های طبقاتی و به گرد آمدن تریه جنبه واحد به دیکتاتوری می خوانند. حلقه طبایر بر گردن دیکتاتور هرگز تنگ نمی شود و این میدان مبارزه و مبارزات برانگیزه ای که حلال ناچار گردان در یافته است. در چنین لحظات خطوری رژیم به یاد یک عرصه جدید و اما به زیم از آزادی بنده و بیتر اندام است. او و ی که شد تا نیروهای مخالف خوبتر از آنکه در نوبت زین آید بد او متحرک شده اند و تجزیه و برانگیزه کرد. محور ششسورک سلفی مبارزان در این لحظه آزادی است. این همان ضعف ترین حلقه رژیم آریامی است. دیکتاتور می فری و خودکامی با آزادی به شتاب آب و آتش اند. اگر چه این آزادی از معیارها و معیارهای بورژوازی فراتر نرود. حتی یک دیکتاتوری بند بورژوازی در شرایط جهان امروز حکومت جهانی و اشتقاق و زندان و شکست و عدم راه با هیچ ترین ثابو تا به گوی کسی سیاست آن است و هدایت می کند. رژیم شاه - ساواک - ساواک درک این واقعیت از جهانی استند اگر نکرده است. هدف لیسن سیاست آن است که نخست پاره ای از نیروی و توان و فرصت مبارزان را از هم جدا به ضعف ترین نظریه و نحوه دفاع ازین تریه و حلسات و اجتماعات و ملاقات ها هر اید ات سیاسی را در حوزه و پشت جفاقی و همه و دوازده. این سیاست منبره آریازوسی دیگر بر آن است تا با ایجاد میسر و میانه و شش حساس و کینه و احساسی در میان مخالفان و تهرانیست چاهسی که در راهشان کشته است و سرنگین سازد یعنی آنها را از راه جهانی را با جفاقی برباد دهد. با جفاقتی که در همدان و

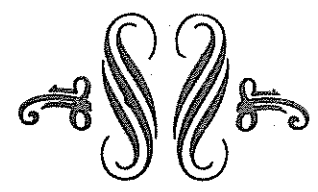
اهماتی که رژیم در کسوت های مختلف (که در لباس شخصی حزب شده فرموده) که در هیات به اصلاح کلرگان و گاه در وقت نقاب اولیای دانتیواریان و پاسر پناه نام شریف کشاورزان به مقابل با آنها می فرستد. با همین خود آنها را برود شوند. تحلیلی این منظور به در هر چه است. در ده که اول مدعی و همه واقعی مخالفان خود را در انتظار لوگت که و برود غنای دیکتاتوری را در میدان هیچان انگیز آزادی و اختلافات سطحی و مناقشات حاد های و صنفی و اختلاف سلطه گروههای مختلف اجتماعی معرفی کند و تا با آنها با آنوب ها و کتاب و هادیت آفرینی های صنفی راه و برای دشمنان مستقیم خود هرگز سازد و برای سرگوب مخالفان سبوز ظاهر اصلاح رسی و قانونی برانگیز و بین و انبساط سازد که به عنوان دولت سلطه حفظ نظم و قانون و ناچار است عناصر نااطلب به اصلاح و صحن مردم طلب و ادراهای خودشان بنشیند بهانه نظم و صرافیه و قانونی واقعی است و با این کند. و یک چنین بهانه ای انتقادی در عرصه داخلی کشور و بلکه در برابر انگلیس هیجی جهانیان که سیاست او را نشانده گشت است و نیاز دارد.

۲- تجزیه مخالفان و کاهش این نیروی آنها

سیاست جهانی از محور تجزیه است. هدف دیگر رژیم در استفاده از این شیوه صریح و اما در واقعیت این شیوه در چشم گش از مخالفان و ایجاد رعب و هراس تره به بود و در میان آنهاست. عناصر مردم و ناآبادی و اشتراک بیجمت های مخالفه کار ترازی و بیپدر و دستهای چاکشور جهانی را که از حمایت همه جانبه ستگها و عوامل و ابزار رسی دولت است نظیر پاسور و دادگستری و ضربه بر شو و زند. از میدان مبارزه پاسور می کنند. جنبه وسیع مخالفان که هر ریز قدرت و عرصه بیشتری می گرد و به این ترتیب همه می بیند. سیاست جهانی از حلقه تجزیه و تسلیم به حقوقت و نفوذ را بنا بر خسته و نمی داند برای رهبری که بر یاد زنده به تجزیه مدعی سازمان یافته دولتی است امکان استفاده از این عناصر مردم و ترسان و محافظه گرانگیزه و حریفان و حریفان دوسوز آنها نیز در بردارد.

و تعداد هادیو بیشترند. در هر دو این صحنه می گویند بی آن که محتوای خود را در گزیند. بر روشهای خود را می بیند و در بد و با شرف سازد. سیاست جهانی به تنگنا افتاد و اما این در دست تا نتواند دشمن تجزیه و سرسخت حلقه که در هر حال را نبود سازد که برخورد هادیت با تاخیر نه به دست خود او بلکه در تقابل حجاج های و نیروهای اجتماعی طرفدار و مخالف او به وجود آمده اند. و بدینسان به داشتن تکیه گاههای وسیع و قدرتمند اجتماعی ظاهر کند. به راستی تجزیه و با هم ریزی از چنین سیاست جهانی ارتجاع و در تدرک و تجهیز یک جنبه سیاسی قدرت دست راستی فرموده. به شتاب تکیه گاه اجتماعی و ابزار فعال اراده خیر است و اگر نشینتی که خود کاکلی و فساد و کز اینجایی از احکام سیاست جهانی نبرش را در فراده و اندیشه ای توانا و به به عنوان وسیله ای فذایی برای پیشاندن ضعف هسای ناتوانی های کلرگشته شده است و خشن کردن آن و تبدیل لیسن سیاست به حرمای منیه خود رژیم و کالای امکان پذیر و در دسترس است. عناصر درونی این سیاست و آمیخته بیرونی و عقیده و شرفین شدن رژیم از موضع حمله به موضع دفاع است. تجزیه نشان زار است که استحکام حلقه های پیوند و فزونی کردن صوفی اتحاد و تباهی عناصر و نیروهای ملی و آزاد بخواد. نه تنها آسیب پذیری کم می کند و نه تنها بهترین دفاع در این شرایط احتمالی و از این سبب تر حریف ترین حلقه برای در هم شکستن تعرض های حوالی و ماترهای فزوانگنده و فریب دهنده است. بلکه همچنان سیاست درین زمینه برای افشا کردن است.

اقتضای نیازم افشاکاری... اینست قاطع ترین وسیله ترین سلاح و نیروی... افشای سیاست جهانی رژیم و در حین آنکه در راه و بعد برای آن و این حربه را کند و خواست خواهد کرد و به مبارزان و نیروهای ملی فرصت و امکان خواهد داد تا در حوالی که مملو این سیاست را از بنده است و چه راه و وسیله ماموریت حمایت از رژیم و انقیاد را بر هیچ ترین افشای مردم بلکه در برابر افکار جهانیان و بی بی و بی بی و روسا کنگه...



اینها نکاتی است که برهنه ما آشکار است و به همین جهت تصور می‌کنم سخن گفتن بیش از این در این باب نوسرار مغرور خواهد بود.

اما نکته‌ای که در این موقعیت خاص می‌آید به طور قطع مورد بررسی دقیق و نتیجه‌گیری فوری قرار گیرد جمع بندی کلی الحالی است که ما ایرانی‌های ساکن آمریکا می‌توانیم در برابر این سفری که هدف‌های آن کاملاً آشکار است و به طور کلی در مواجهه با حوادثی از این دست نشان بدهیم.

امروز بیش از هر روز و بیش از هر وقت دیگری می‌توان احساس کرد که لزوم تشکیل کمیته‌ای از نمایندگان همه گروه‌های اپوزیسیون برای یکپارچه کردن مبارزه در راه هدف مشترک برآمدن حکومت فارت و آتش و خون در ایران تا چه حد ضرورت دارد.

آسیب‌های مهم است و روز افزون بودن تعداد ایرانیان است که در سراسر آمریکا و جهان پراکنده شده‌اند و به تداوم در راه آزادی و افشای ماموریت ضد خلق و چپ‌گرایانه و نیکروماب نیک ایران می‌توانند.

طوبی است که سازمان‌ها و گروه‌های زنده‌ی می‌توانند در داخل کشور خود از برخورد های فکری و عقیدتی و گرایش‌های اعتدالی و افراطی و در نهایت امر از اشتباهات و عکس در باره‌ی ملی موارد از برخورد های بسیار خصمانه میان جناح‌ها حساس باشند و اصولاً هرگونه انتقاری غیر از این نشانده‌ی بی‌بهره ماندن از واقع‌بینی است.

اما غرض از این است که بی‌بهره ماندن از واقع‌بینی است که ما به عنوان افرادی که به سرانجام پیوند های محکم و منسجم فکری و معنوی می‌توانیم حساب خود را با دیگران بدهیم. در مبارزه با رژیم موجود برای گروه‌های دیگر هیچ گونه حلقه‌ی قابل تشویق و یا شمارهای غیر قابل قبول "خبرگه از مأموریت برآمده" و "مأموریت" مبارزه‌ی را که در شرایط حاضر جز در فضای دنیویات و ترس و جز سبک‌بازی و بی‌بهره گرفتن از موجودات و عقاید ملی پیش‌بینی‌ناشد.

رابطه‌ی موجوده‌ی های برآمده‌ی می‌تواند تبدیل کنیم که ناچار از تضمین نیروی نهایی خود گرفته‌ایم که به وجود آمده است و هرگز نمی‌توانیم از تصمیمات خود برافراشته‌ایم و سبب خود را از تهاجم و سرکشی تا قطع تنها صرف‌نظر از خود یا حلقه‌ی ما به استقامت‌ها تدلیس کرده‌ایم دیگر می‌تواند و به این ترتیب اجازه‌ی عدم هم‌گامی در این میان آنچه خدا می‌شود و نظایر آن خط

آسیب پذیرش سهیم می‌باشد. بدون شک همه افرادی که پایگاه ایدئولوژیک مشخص ندارند اما عقول فاسد می‌توانند در ایران را غیر قابل تحمل و دین از آن اساسی می‌دانند و همه افرادی که گروه‌های مبارز اپوزیسیون را با سبک‌ها و سبک‌های فکری متفاوت شکل داده‌اند متشنقه‌اند حق دارند می‌توانند و با سبک‌ها بخوانند در نظر هراتی بسیار وسیع نفوذ کرده‌ایم ایرانی‌ها را از منظر فکری و اعتدالی و پوپس‌مندی و اختلال سیاسی و اجتماعی جامعه خود نشان دهند و غمخ خود را از عوامل توپله‌ی کسی که بکار دیگر و آن هم به طور کلی نیست به حق حالیت ملی ما می‌تواند.

در شکلی گسسته به نمایش بگذارند. می‌دانیم که این چنین نمایش می‌تواند ایجاد فوق‌العاده و انحصاری سمت هتداز دهنده داشته باشد. می‌دانیم که اگر همه افراد مستقل همه گروه‌های سیاسی صرف‌نظر از شوه‌ها و سبک‌ها و معتقدات مسلکی خود از گروه‌های خود را برای چنین نمایش یک لاله کنند فساد نفرت و اجراض خود را این بار با انحصاری سندر وار در سراسر جهان انعکاس خواهند داد. قابل انکار نیست که تنها اگر تعدادی از دم دست‌های امکان‌گروه‌های مختلف اپوزیسیون در این امر همکاری کنند این تظاهرات سیاسی می‌تواند در آن واحد در سراسر آمریکا به اشکال مختلف متجلی شود. افکار صوبی آمریکا انسان و جهانیان را به معامله‌کننده‌ی شاه و هیأت حاکمه آمریکا بسا حیات سیاسی و اقتصادی می‌تواند بیشتر توجه دهد و در داخل کشور یونانی بیدار کنند تر داشته باشد.

ما در شرایط مختلف می‌تواند اشکال مختلف به خود بگیرد. تصویر بخششده‌ی "فقط فلاس یا همان شکل مبارزه" نشانه‌ی متأسفانه فراترگیری است؛ همچنین جن زدن از شرکت در تظاهرات و نمایش‌های همگانی که ناگزیر می‌تواند به وحشت از ترک گفتن "مومنی دفاعی غیر توده‌ای" حسیل شود. و تصور می‌کنم قبول این عقیده چند آن دشوار باشد که به هر حال تیره‌های اپوزیسیون را بر هر سنای فکری که قرار داشته باشد (برادران و خواهران) شکل می‌تواند که محرومیت و خفقان تلخ را با هر طول خود شهید اند. نه دشمنان که به قصد تحمیل فکر یا انحصار حقوق تشویق به روی یکدیگر کشیده باشند. رژیم ناکزیر است برای استعمار مواضع غمخسود هراز خندی بی‌ای با مایه‌ها گان ریز و درشت و چاق و لاغر غمخسود را به این دیار و آن دیار فرستد. یعنی هراز چندی فرصت مطلوب پیش می‌آید که ما بتوانیم با قدرت تمام و تکلیف قاطع حمایت خود ملی این حکومت دست نشانده را با نمایش تطبیق‌های برای کنیم و مسأله‌ها هراز فرصت دیگر را از کیف می‌دهیم. حسی برای آن عده‌ها ما که ممکن است ابلهان به انتظار ظهور محرز می‌نشینند با شوم جزئیوم به یکجا گرد آمدن و به اشتقاق دست به پا برداشتن و با دعوت مام به معلا رفتن منظم می‌شود.

برای ضربت قاطع تر تشکیل کمیته‌ی انتقالی مبارزه مشترک ناگزیر است!

از جنابال و مناشنه به حل یکپارچه روی آموم!

خبر راه وطن
چه‌ها که نگردیم
گروه‌های گشته‌شدیم
و گروه‌های سخن گفتیم!

پیام احمد شاملو

به همه نیروهای مبارز ملی

محاسنت سر شاه به آمریکا - اسد شاملو در ۱۲ دیماه پیام زیر منتشر کرد.

موظبان!

شاه ایران - دریانه - خونخواری که گذرگاه حکومتش بسا توده‌هایی از پنجاه هزار جنازه در سراسر کشور نشانده‌ی گذاری شده است و مغرورترین جبهه‌ی می‌تواند که در تمام تاریخ ایمن کشور تأسف است ظهور کند - بار دیگر به آمریکا می‌آید.

طوبی است که روزی نامه‌های ایران چنین واقع‌بین می‌کنند که "حضرت رئیس‌جمهوری آمریکا به دلیل اعتقادی که به شخصیت جهانی شاهنشاه دارند از ذات مبارک در عورت کرده‌اند تا برای تبادل نظر و بهره‌گیری از رهنمود های داهمانه‌ی ایشان در حل مشکلات بین‌المللی به آمریکا سفر کنند" - اما برای ما که بیش از پانزدهمین قرن شوکومند بیداری را در کاپوس می‌توانیم ایمن بحث سیاسی با وین و ایندال و تحلیلی و



خفان دست‌زده‌ی می‌تواند مایم به‌تازهرکس مد انهمه "رهفمد - های این داهن کبر" از حه مقله‌ی می‌تواند - ما به‌تاز از هرکس می‌دانیم که از نکست می‌تواند این "داهن" سرکشور سا که می‌تواند آزاد و آباد و سرفراز و سنهاز باشد حه می‌گذرد. بر روستا های پیرانه و متروک کشور ما که هفت قرن پیش با وجود کمبود آب و فقدان راه‌ها و وسائل ارتباطی و تکنیکی امیسوز می‌توانست از طریق شوه‌های ابتدای خود در کشاورزی و آبیاری و دامداری و شهرهای با بیش از پانزده میلیون نفر سکنه را تفتیه کند چه می‌گذرد. و بر فرهنگ و جامعه و اقتصاد ما چه می‌گذرد. ما به‌تاز از هرکس می‌دانیم که سرکشته‌ی فارت - گران ایران برای چه منظوری به آمریکا می‌آید و می‌تواند او و دستگاه رهبری سیاسی آمریکا و آقای کارتر که با تاس تطبیقی "خبرگه‌ی اساسی" این بر سر این میز قرار می‌کنند "تبادل نظر" در چه زمینه‌هایی صورت می‌گیرد.

آه اگر آزادی سرودی می خوانند
کوچک
همچون گلوگاه برهنه‌ی می
هیچ کجا دیواری فروریخته برجیای نمی‌ماند
سالیان بسیار نمی‌بایست
در یافتن را
که هر صرانه نشانی از غیاب انسانی است
که حضور انسان
آبادانی است

همچون زخمی
همه عصر
خونابه چکته

همچون زخمی
همه عصر
به دردی خشک تنیده
به نرسه‌ی چشم بر جهان کشوده
به نرفتی از خود شونده

غیاب بزرگ چنین بود
سرگذشت ویرانه چنین بود

احمد شاملو
۱۳۷۷/۱/۲۱

آه اگر آزادی سرودی می خوانند
کوچک
کوچکتر حتی از گلوگاه یکی برهنه!

در دانشگاه ها چه میگذرد؟

نامهٔ اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به نخست وزیر

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران با کمال احترام اجازت می‌خواهند که با توجه به حوادث و سوانحی که در سنسورات اخیر و خاصه ایام حاضر، دانشگاه محیط آموزشی شده و تا سبب حاصل از آن سرانجام به واقعه شامگاه روز دوشنبه ۳۰ آبان ماه گذشته انجامیده است و خاطر آن جانب‌براهه وضع حساس محیط زندگی علمی و وضع وقت‌باز پیشه مصلحتی جلب کرده‌اند و ننگی را از سر وظیفه بودیان اخلاقی و آموزشی با آن مقام شریف در میان گذارند

روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته طبق برنامه ای که قلا از طرف دانشجو یان دانشگاه صنعتی آریامهر با موافقت مقامات آن دانشگاه اعلام شده بود، قرار بود که مجلس سخنرانی در تالار ورزش دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار شود. اما صبح روز دوشنبه سی ام آبان ماه اعلام گردید که سخنرانی به تعویق افتاد است و برگزار کنندگان مجلس سخنرانی چنین صلاح دیدند که از چند تن از دستفروشان و استادان اتفاقاً کنده با حضور خود در مقابل در ورودی دانشگاه آریامهر مطلقاً راه اطلاع شرکت کنندگان برسانند. به این مناسبت در عصر روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته سرکار خانم دکتر هماناطی در انتهای دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران همراه یکی از دستفروشان خود آقای نعمت موزازاده به اتفاق دیگران در مقابل دانشگاه آریامهر واقع در خیابان آریامهر حضور می‌یابند و توضیح برنامه راه اطلاع سخنرانان می‌رسانند و از آنها می‌خواهند که متفرق شوند و آن روز نیز با توجیهی خوش‌فصد رفتن به منزل وارد اشتدند که مراجعت دیگران مأموران انتظامی راه را بر وسیله نظاره ایشان می‌بندد و جمعی از کادو یان همانا یان می‌ریزند و ضمن نشان دادن ایشان به دیگران و اعلام هیئت و شغفشان و مشارالیه آقای موزازاده را از اتوبوس پیاده می‌کنند و به شدت به تکرار تمام ضروب می‌نمایند و سپس خانم ناطق را همراه آقای موزازاده و چند دانشجو سی که دستگیر کرده بودند، در پشت اتوبوس حبس قرار داده و به کلا تفری ۱۸ واقع در خیابان تاج در تهران می‌آورند. در میان راه مأموران ضمن توهین و فحاشی فراوان نسبت به دستگیرندگان خطاب به دانشجو یان می‌گویند که این استادان حقن ها هستند که شما را آزارند. این گونه گفتگو های ناشایست و دراز ادب را بی‌سایسی جسامت و فحاشی توأم می‌کنند تا آنجا که دانشجو یان دستگیر شده در مقام معذرت و عرض خود اذیت نسبت به خانم دکتر هماناطی بر می‌آورند. در کلا تفری ۸ و نیز پس از کلا تفری که توسط مأموران کلا تفری به عملی آید، به خانم ناطق آقای موزازاده اجازه عرض می‌دهند، و منتظرشایسته تکلیفی می‌کنند که با خود ناطق برای بردنشان به منزل فراهم کرده ایم. در این اثنا آقای دکتر پاکد این مفسر خانم ناطق را تلفنی که مقامات کلا تفری اجازه داده بودند که خانم ناطق از کلا تفری به منزل بزند و حضور خود را در کلا تفری اطلاع بدهد و برای ملاقات خانم خود به کلا تفری می‌آیند و سواد خانم خود را می‌گویند. مفسر مربوطه اظهار می‌دارد که شما را بسیار اجداد مقابل دانشگاه آریامهر خواهند برد تا بتوانند با اتوبوس شخصی آقای موزازاده به منزل مراجعت کنند بنابراین ایشان راه آنجا می‌برند و اضافه می‌کنند که شما حالا بروید و اینا محاقی توقف ندارند. به مفسران که مقابل در کلا تفری و در حضور مأموران کلا تفری خانم دکتر هماناطی و آقای نعمت موزازاده در تانکی سفارشی کلا تفری می‌نشینند تا کسی مزبور پس از اختتام و روشن شدن از کلا تفری از مسیر فعلی خارج شده، در حرابه ای واقع در درون نوانتهای خیابان دوازدهم در قسمت شرقی شاهین می‌ایستد و گروهی که در حرابه ایستاده بودند از جمله یکی از کسانی که در میان مأموران کلا تفری دیده شده بود، همان خانم دکتر هماناطی و آقای نعمت موزازاده می‌باشند و ایشان راه شدت بطریق و حدود می‌نمایند. در این حال در یکی از خانه های مقابل حرابه خاصی با فریاد این که این زن رانجات میدهد، دیگر حسابانگن راه توجیه آنچه در در حرابه اتفاق می‌افتد، هتجاهلی سازد و با فریاد کله خام بگر ناطق از خانه بیرون می‌ریزند. در همین اثنا شما و زین می‌گویید یکی از حسابانگن به ندای استی و

نامهٔ اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی تهران به نخست وزیر

از آنجایی که جامعه دانشگاه صنعتی آریامهر در سالهای اخیر و خاصه در هفته های گذشته لحظات بسیاری دیده است و این محیط فعال و اخلاقی طی آموزشی کشور به علت نداشتن امنیت تعلیمی و همچنین به سبب هتکه حرمت معلم در چارنوبدی و فکور شده است و در برهه احتمال تحصیل افتاده است و ما اطلاعاً گندگان زیر اعضای هیئت علمی این دانشگاه با توجیهی اضحیت رویداد های اخیر و خاصه واقعه روز دوشنبه ۳۰ آبان بر آن شده ایم که برابر وظیفه شغلی و ملی خویش بیگناهی را به اطلاع آن جناب برسانیم.

۱- خاتر نامه اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران مورخ ۲۶/۹/۶۱ که به عنوان آن جناب نوشته شده است و نسخه ای از آن به پیوست تقدیم می‌گردد و در تالیفات کامل می‌باشد و خاصه آن قسمت از نامه که مربوط به روز واقعه ناگوار برای ما و دیگر هماناطی دانشیار دانشگاه تهران در شامگاه ۳۰ آبان می‌شود. بریز این وقایع نتیجه مستقیم ناپدید شدن توجیه های هیئت علمی این دانشگاه در مورد اداء برگزاری سخنرانی مابود و نسبت به این مسئله شدیداً متعصبیم.

۲- غریب و صرح ابرار می‌کند که در کسوت معلمی به آریامهر تهران زنان فرد ای جامعه شهنرندت خصم به واقعه روز ۳۰ آبان نبوده و در حرزبان سالهای اخیر نیز به دفعات برای همه گنویس خنجله چند تن از اعضای هیئت علمی این دانشگاه رخ داده است. انعام امر محیط آموزشی بر سلطه جماعت توجیهی به شرف انسانی و نفی سخت‌ها و حرکت فرهنگی این زیر بوم که فلا کز و توفیق حرکت های زنده و سازنده علمی و آموزشی را سبک کرده است به هیچ وجه نمی‌تواند با برنامه های صنعتی کردن کشور بسط دهد و گسترش فرهنگ ملی خطمی باشد.

۳- همچنان که پیش از این نیز به کرات اعلام کرده ایم، با حصول هرگونه غریب و صرح نسبت به افراد و هتکه حرمت معلم ناپدید و فرشتن آزاد بهایی دانشگاهی را شده بد ا حکوم می‌گنم و چیرا نکه خواستار رعایت سبک و کاست اصول قانون اساسی می‌باشیم.

اعتصاب دانشجو ۸۰۰ دانشجوی

در کرمان

بیش از ۸۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه کرمان از ۲۹ آذرماه به عنوان اعتراض به بازداشت ۱۵ تن از دستفروشان توسط ساواک اعتصاب یکپارچه و یروطنی را آغاز کردند. در دانشگاه هیزین دانشگاه می‌آمدند در محض دانشگاه می‌نشینند و هیچ گفتگو و نظاهری اختصاص نداشته خود را به گونه توجیهی همدردی با دستفروشان زندانی خود به مسئولان دانشگاه و اولیای دانشجو یان گزارش می‌کردند. آنها در ضمن برگزاری تظاهرات آموزشی ساواکی قادر آموزشی راه سازمان داده و تخلیه کننده برنامه های پلیسی در دانشگاه هستند، خواستار بودند. سرانجام پس از دو روز در برابر اراده جمعی دانشجو یان اعتراض ایران بنام برنشین دانشگاه کرمان، با انحصار یکدیگر با اذیت کرد و به آنها تصدیق سیرده که خواست هایشان را با نظر موقوف مورد بررسی قرار دهد. با این قول و وعده تعیین اعتصاب در روز مو بر میجامد دانشگاه کرمان حجتاً پایان پذیرفت.

اخلاقی که هنوز آثار و بقایای زیادی در زمین سلطنت دارد به کله طبروسی نیمه بسوزد شری آینه و ایشان راه هیزین خانه می‌برند و به همت چیری آقای دکتر باقر ساروقی استاد دانشگاه که در آن حوالی خانه دارند طلبی را به منزل خانم دکتر ناطق خیر می‌دهند. آقای دکتر پاکد این به آنجا مراجعه می‌کنند و از طریق بیمارستان آبان و آریامهر که بیمارستان زبور می‌فرستد طبعی راه بیمارستان می‌رسانند.

این است ماجرای تانک آری که نه فقط برای هیئتفردان این موزین دلبره آری است بلکه برای سر نوشت همگی افراد ملت ایران خطرناک و ترسناک است. خاصه اگر این حادثه را متعصبان به سرکار خانم دکتر هماناطی در انتهای دانشگاه تهران ندانیم و به اطلاع آن جناب برسانیم که این حادثه به شکی دیگر، برای چند تن دیگر از استادان دانشگاه تهران و آن هم در داخل محوطه دانشگاه، پیش آمده است و در واقع این نوع در گیری نه فقط به چند تن محدود نمی‌شود بلکه تمام واحد دانشگاه را در معرض تهدید و غریب و صرح قرار می‌دهد. حال آن که برخوردی از امنیت فردی و بیگناهی انسانیت شرط لازم و مطلق زندگی مدنی است و آنچه در دانشگاه اتفاق می‌افتد امنیت فردی و جمعی تمامی دانشگاهیان راه مخاطره انگشده است

از آنجا که اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران این واقعه و واقع مشابه را تنها یک حادثه گذرانی نشانند، بلکه آن را به منزله زنگ خطری در فضای ایران محسوس می‌دانند و وظیفه خود می‌دانند تا بطریق اصل نیم اصول، ملاتقن اساسی که می‌گنم افراد از هیئت جان و مال و سکن و شرف محفوظ و بیرون از هر نوع تعرض هستند و تعرضی سعی نمی‌توان شد مگر به حکم و توجیهی که قوانین سلطنت تعیین می‌نماید. و ملاتقن و از هر چه همان قانونی که اظهار می‌دارد حکم اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به موجب قانون. " معترضین این افعال و رفتار می‌باشند و از آن بالاتر هتکه حرمت معلم را در حد جسامتی به علم و فرهنگ زندگی این موزین می‌دانند. زیرا روشن است که با اوضاع فعلی و سیاسی برای فردی و بعضی و گفتار و نحو حکمت و معرفت می‌مانند آمده می‌بسطند و کسب سعادت اخلاقی می‌توان داشت

آیا نه به خاطر همین ماجرا هست که گفتن سالیات لغی دانشگاهی به صورت واقعی مملتا تحلیل شده و آزار و ضرر و افسوس همه مرتضان خود را بر این معضل به خارج از کشور گسیل می‌دارند و غالب مردم ما با آن و نیز در کسان خود به گریه سالانه بیگانه می‌روند؟ آیا چنین وضع و حالی شایسته کشور باستانی ما هست و آیا بحق است همین است؟ در حالی که همه احتماعات باطل و با لغوی صرف نگاهداری حیثیت ایران و مردم ایران و تاریخ و ادب و فرهنگ ایران باشد زندگی فرهنگی و علمی باید با احترام و آزادی و ثبات استوار باشد و محیط علم و دانش به صورت گنگی نمی‌سوزد. تعدیهی می‌فرمایند که آلوده ساختن محیط دانشگاهها با افعال مشورت با موازین فرهنگی مورد قبول جوامع تمدن و شایسته نام دارد

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران زنگیهای خطر را با رویداد های که در محیط آموزشی ایران پیش آمده است، به صفا دور می‌آورند. زندگی دانشگاهی مختلف است و صرف معلم که مانند استقلال سلطنت معلم بهت رنگتگن ندارد و در خطر است و باید لر شدن چنین حوادثی و ایجاد چنین بلوای از سوی کسانی که به طور قطع چنین آبرائی بدن و شایسته و مسئولیتد، نشانه واضع است برای آن که راه را گم کرده ایم و به براه می‌رویم

ملاحظاتی را بیان کردیم. البته بر آن جناب است که عطف توجه کنید تا آشکار شود که بر سر دانشگاه ایران کشور چه می‌آید و آنها چه روزگار سیاه و تپاهی دارند. شاید از همین طریق واهی برای مشکل بحران آموزشی سلطنت که اظهار مناسبت است بماند، تا بلکه بتوانید آن را در پیاید و نجات دهید. هیئت علمی دانشگاه در انتظار اقدام ویر و پاسخ عاجل شما یانند.

برای مبارزه در راه آزادی زنده انبان سیمای متحد شویم!

جنبش‌ها و مسائل کارگری

بازداشت و اخراج کارگران اعتصابی بن‌خاور

به دنبال تهاجم گزاف‌های رژیم ضد کارگری به کارگران اعتصابی بن‌خاور و تحریک و تشویق کارگران شریف و مبارزان کارخانه اکتین خبری رسیده که ۷ نفر از کارگران بن‌خاور توسط ساواک دستگیر و نزدیک به صد نفر اخراج شده‌اند. این رفتار و بداندازی رژیم پارتی‌گرایانه و بدنگار رژیم آریا سرورگسه در سخن عدلی حمایت از کارگران و بدرعیل و تخم‌آنهاست و نشان داد. اعتصاب پرشور و یکپارچه کارگران بن‌خاور و همهمه بزرگ شتاب‌دهنده رژیم به کارگران اعتصابی در دست‌برداری اتفاقی اتفاق افتاد که رژیم جنایتکار از طریق دستگیرهای بی‌روم پر اکتی خود تلاشی در جهت تهاجم و تشویق عوامل آشکار و پنهان خود را به امتناع سالم‌ت‌آمیز مردم در کاروانسراستکی نگاه‌دارد. شاهدی که کارگران جلوه دهد. این شد محکمی بود بردها باوه گویان تپ‌هایی که می‌پندارند. در فضای ارباب و تزییر می توان حقیقت را از مردم پنهان داشت.

در دانشگاه تبریز

موج اعتراض در دانشگاه تبریز سرانجام تبدیل به یک جنگ تن به تن بین پامیر ساواک ارتش و دانشجویان آزاد خواهد بود. سوی دیگر شد.

دانشجویان این دانشگاه از ابتدای سال تحصیلی اعلام داشتند که خواهان بازگشایی انجمن هاوکتابخانه ها و دستگیری که توسط ساواک تعطیل شده می‌باشند. اما این خواست قانونی اهتایی نشد. دانشجویان دست به یک اعتصاب زدند اما با یورش و تشنه مأموران چپاقی به دست شاه زور شدند. دانشجویان برای نشان دادن اعتراض خود به این یورش ۱۶ آرمه هاشمک با هزاران دانشجو دانشگاه‌های ایران کلاس درمرواحرم کردند. این موج آشنه مدد افراد کار در دانشگاه و در روز ۲۲ آرمه باه گرفت. در این روز دانشجویان که بارها زیر ضربات چوب‌چاقی و زخمی و شلاق مأموران رسمی و غیررسمی ساواک و شبیهایی قرار گرفته بودند به مقاله نامه کشف گسان برخواستند. گزارش‌های رسیده حاکی است که در جریان این تیرود تن به تن در محرم ساواک و کوسون محرم‌گارد دانشگاه خسود شده است. از طرفی بر اساس گزارش‌های رسیده در هیا دانشجو دستگیر شده‌اند که از سرزنش آنها به‌عنوان اطلاع‌دهنده دست‌نبرد گزارش‌سازگار نبود. همچنین حاکی است که در روزهای اخیر سر دانشجویان و جمع زیادی از مردم مادی به طو ناگهانی در بازار چها و میا پانهایی شهر دست به تظاهرات زدند و علیه رژیم حفاق و ترور شاه شعار دادند.

ساواک تیرتیر برای مقابله با تهاجم هگانی مردم و همزمان با ساواک تهران طبق یک دستور کلی کدر سطح ایران ابلاغ شده تعدادی از کارگران تبریز را به زور همراه جمعی از مأموران ساواک و شبیهایی و اجاش‌شهر در میدان شهرداری تبریز جمع کرد تا اعتراض مادی ضد اختفای و ملی مردم وانه اصلاح محکوم کند. این تهاجم سرخورد با بی‌اهتدایی هگان روبرو شده و از چند دهه پارسمانی متفرق شدند.

کارگران اخراجی چاپخانه ۵ شهریور هم‌چنان سرگردانند

اکتین بیش از دو ماه است که ۳۰ تن از کارگران چاپخانه ۵ شهریور که به دنبال اخراج بی‌شعور و یکپارچه ۵۰۰ تن کارگران این چاپخانه به دستور ساواک اخراج شدند در سرگردانی و پلانگینی به سر می‌برند. هیچ سازمان و مرجعی حاضر نیست به وضع آنها رسیدگی کند. تنها پشتیبانی و همبستگی کارگران چاپخانه ها که با ابعاد صدق و یکپارگی از طریق اتحادیه خود به باری کارگران اخراجی برخواستند به آنها دلگرمی و سروری بخشند. چراکه ساواک به همه چاپخانه‌ها دستور داده است از استخدام این کارگران ملزم و آگسها خودداری کنند و باری و وظائف دیگر کارگران نبود. آنان مجبور به تحمل فقری حاکمانه بودند. تشکیل صدق و یکپارگی و پشتیبانی و همبستگی مادی و معنوی با کارگران اخراجی و نشانه ای از اشتد آگاهی کارگران است و خود در شرایط تور و اختفای کریم به محیط کارگری تحمل نموده و در سایه آن می‌گویند از هر کس تشکل و همبستگی طبقاتی کارگران جلوگیری و بویزی در خفاست برای کارگران است. پشتیبانی هرچه گسترده تر کارگران ایران از کارگران اخراجی چاپخانه ۵ شهریور بی شک سرانجام رفیق راوی آورده و عقب نشینی خواهد کرد.

اعتصاب در کارخانه ۹ آذر

اغیرا در کارخانه لوج کارگران دست به اعتصاب پرورنده زدند. اعتصاب از آنجا آغاز شد که کارفرما به کارگران اطلاع داد که پتمای روزی که به علت قطع برق کارخانه تعطیل شده بود و کارگران باید روز جمعه در کارخانه حاضر شده و کار کنند. اما کارگران به این تصمیم اعتراض کردند و گفتند قطع برق کارخانه به ما مربوط نیست و ما جمعه حاضر نیستیم کار کنیم. در نتیجه امر از کارگران دست از کار کشیدند و به دنبال آغاز اعتصاب خواستهای دیگری را نیز در مورد افزایش دستمزد و سود صوره مطرح کردند. به‌دنبال نامه مأموران مسلح به دست‌زبان لوجی به کارخانه سرانیز شدند اما کارگران علی‌رغم این تهدیدات صلحانه را سخانه به اعتصاب ادامه دادند و سرانجام کارفرما در حضور نماینده وزارت کار از تصمیم خود صرف نظر کرد و روزی را کارخانه به علت قطع برق تعطیل شده بود به حساب روز کارگزار گسردان گذاشت.

اعتصاب کارگران شرکت سی منبک

چندی پیش کارگران و انندگان تبریزی شرکت حمل و نقل "سی من پاله" که به برادران پاک سما تعلق دارد دست به اعتصاب یکپارچه ای زدند. کارگران به عدم پرداخت حقوق و حقوق ناچیز خود اعتراض داشتند و همچنین خواهان افزایش دستمزد مای بودند. کارگران در جلوی دفتر شرکت در خیابان شریا امتناع کردند و اعلام داشتند تا وقتی به حواست‌های شروع آنها رسیدگی نشود از رفتن به سرکار خودداری خواهند کرد. کارفرمایان در برابر صف فرود و عزم راسخ کارگران تسلیم شدند. و کارگران پیوسته خود را که نتیجه بگانی و تشکل شان بود جشن گرفتند. شرکت حمل و نقل "سی من پاله" که از شرکت‌های بزرگ حمل و نقل داخلی است و حمل تهاجم‌محولات سازمان تولیدی "اتکا" وابسته به ارتش را به عهده دارد.

اخراج ۴۰۰ تن از کارگران آب و سرقی تهران

اکتین نزدیک به دو ماه است که عمال روس‌پند کارگری ۴۰۰ تن از کارگران شریف و زحمتکش سازمانهای آب و سرقی تهران را بی هیچ ضروری بهانه‌ای اخراج کرده‌اند. این کارگران هر روز به سازمان‌های مربوطه مراجعه می‌کنند تا تکلیفشان را روشن کنند اما تهاجم رابای تروی بوی می‌کنند. برسی از این کارگران پیش از هشت ساعت کار کردند و با این حال شولان دولتی یعنی آندها آن‌ها کارگران بی‌مناهی هستند و باید به‌مانند کارگران به پیش از هشت ساعت کار نیز آسوده سازمان‌های دولتی مذکور حواله می‌دهند. کارفرمایان وجود اسامی کسانی را در فهرست حقوق بکران که تنها سرمایه برای گرفتن حق یکبارگی به سازمان مراجعه می‌کنند بهانه فرار داده و کارگران زحمتکش را به یکبارگی شتم کرده است. در حالی که کارگران به حق معتقدند این خود کارفرمایان و صلح‌طلبان در این هستند که انگار خون مردم را می‌کشند و با بهره‌گیری از دسترنج کارگران زحمتکش به یکبارگی و تن بوی داده است می‌دهند و بارشوه و دهن و شوه ستانی اسامی دیگرها و فلسفی هاراداریست حقوق بکران می‌گشایند.

ماضی محکم کردن این توطئه کثیف ضد کارگری و بازگشت کارگران شریف و زحمتکش را به سرکار خود و پرداخت کامل دستمزد و ایام تعطیلی آنها را خواستیم.

گزارشی او

دوب‌آهمن اصفهان

ازاول آرمه طی بخشنامه ای تعطیلی روزهای پنجشنبه جزو تعطیل‌های کارگران اعلام شده است. چرا که قسراً است با این ساعات کار اضافی به کارگران اضافه کار پرداخت شود اما این اقدام خود سرانجام کارگران دوب‌آهمن را که به خاطر کسب دستمزدشان ممنوع بودند غالباً روزی در وقت اضافه کار کنند. به شدت عصبانی کرده است. با توجه به ساعت طولانی بین کارخانه و شهرک‌های صحرای کارگشایی اطراف اصفهان که محل سکونت کارگران دوب‌آهمن است و کارگران مجبورند پیش از سپیده دم از خانه خارج شوند و در تاریکی فوه‌های شب‌خانه بازگردند و بدین ترتیب فرصتی برای دیدن فرزند و خانواده و رسیدن به مسائلی و گرفتارهای فراوان خانوادگی ندارند. برخی از کارگران هفته به هفته موفق به دیدن فرزند و خانواده می‌شوند و اکتین با لغو تعطیلی روز پنجشنبه وضع زندگی کارگران از این هم بدتر شده است. و این همه در فرایطی است که جو سیاسی کارخانه هر روز غلیظ‌تر می‌شود و کارگر مخصوص کارخانه که در اندام‌ها تخمین در سطح کارخانه گرد می‌کنند چه اندک بهانه ای کارگران را به زور بازجو می‌کنند. این جو اختفای را تشدید می‌کند. شدت این بهره‌کشی از کارگران زیر هر چه دامنه گسترده تری می‌باید از او با سال جاری تاکنون نزدیک به چهار هزار نفر از کارگران قضایی مختلف به خاطر کسب دستمزد و شرایط فاشیستی حاکم بر کارخانه استعفا داده‌اند. در مقابل روسای کارخانه به‌جای بی‌بسیود شرایط کار زندگی کارگران، به شیوه فاشیستی تروی شمول شده به دست‌نهادن سازمان و درجه اراد و اشتراک‌های کار به کارخانه آورده اند تا محیط سیاسی هنرنفوری کارخانه و هر چه بیشتر به وسیله اردبگاه نظای تبدیل کند.

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم برای سونگونی رژیم شاه است!

جنبش مسلمانان ایران

همه نیروهای ضد دیکتاتوری را به اتحاد فرا می خوانند

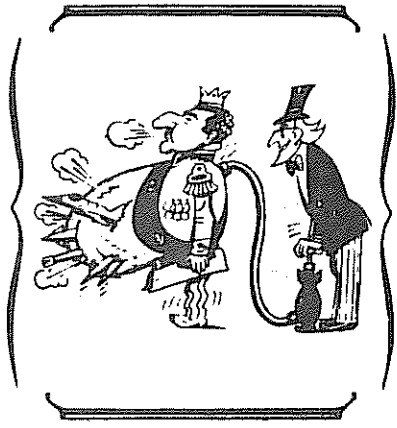
جنبش مسلمانان ایران اخیراً اعلامیه‌های منتشر کرده که در آن ضمن تشویق نتایج خیانت بار سفر شاه به آمریکا و برشمردن موارد خیانت‌ها و جنایت‌های بیشمار رژیم شاه و افتنا و محکوم کردن توطئه‌های اخیر رژیم و سیاست چسبک آن « همه نیروهای اصیل و ضد دیکتاتوری را به اتحاد دعوت میکند . در زیر خلاصه ای از این اعلامیه راکه نمایشگر گرایشهای دموکراتیک و ترقی خواهانه و نیز درک ضرورت اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم در جنبش مسلمانان مبارز و پیرو ایران است » میخوانید :

هموطن عزیز

سیاست رژیم پس از پایان سفر مفتضحانه و مراسر ننگ و خیانت و رسوائی شاه به آمریکا اینک وارد مرحله تازه‌ای شده است . شاه در حقیقت شکست خورده و مفتضح و رسواتر از پیش از این سفر باز گشت . اقدامات مذبحخانه ساواک و سفارت برای بسیج مزدوران شمار بدست به عنوان دانشجویان طر ظار شاه نه فقط آبروش برای رژیم تأمین نکرد که بیشتر باعث رسوائی و آبروریزی مردم ایران رژیم و شاه هم گشت

بوداران و خواهران ! شامهش از هر موقع دیگر رژیم خود را بد و تزلزل و تنگنا میبیند . لکن اینتنیز تواز گدشته علیه مردم عمل میکند . روشکستی اقتصادی و سقوط دائمی و سریع تولیدات داخلی و ناراضیاتی روزافزون همه طبقات تحت استثمار و فشار و رسوائی بعضی از پیش رژیم نزد افکار عمومی جهان و رشد مقاصد داخلی و پایداری مبارزین و مجاهدین خلق پایه های تخت افرازی به روز صست تو میبندد و بیشتر میپوزاند . در مقابل این وضعیت دشوار رژیم وحشی توو مهمل تو میشود . بنا بر این مبارزین خلق ایران باید با هوشیاری و دقت بیشتر عمل کنند و تاکتیک های مبارزه خود را برپیش صحیح و آگاهی از روشهای خدعآمیز دشمن استوار سازند و با مقاومت و پایداری و نشان دادن قدرت متحد ملی تلاشهای مذبحخانه رژیم را اثر سازند نباید اجازه دهیم رژیم قبل از اینکه اعتراض ملت و مبارزه عمومی مردم به مراحل پیشرفته تری برسد بازمینصازی و بکثرتیرنگ های خانفانه و با ایجاد افتشاشهای ذهنی و بیک سرکوب قبل از موقع دست یازد و پیمانهای بک پیش وسیع به نیروهای مبارز را فرادم سازد اتحاد ر همبستگی -

همه نیروهای مبارز اصیل و ضد استبدادی و ضرورت پیروزی در این مرحله از پیکار است ما در این مرحله بار دیگر بروی ضرورت همبستگی و اتحاد همه نیروهای اصیل و ضد دیکتاتوری شاه و طالب آزادی تأکید کرده از روشهای تکیه به تجزیه و تفرقه نیروها منجر میشود باید شدیداً پرهیز شود . زیرا تجزیه و تفرقه نیروهای ضد استبدادی نتیجه ای جز تضعیف جبهه مردم در برابر استبداد نداشته و به رژیم کمک میکند تا با استفاده از این تفرقه نیروهای مبارز را به انزواکناند و یک یک سرکوب کند ما همچنین موضع بی تفاوتی و سکوت آن دسته از محافل روحانی را که مدعی مبارزه با رژیم بودند فاند نایسته نی دانیم . در شرایط حاضر وظیفه همه نیروها و عناصر آزاد بخواه و صلحان است که مسئولیت خود را درک کنند و بخصوص بر هیوا و طه هشی و روحانیت و مراجع است که مسئولیت احساس خود را در قبال عقیده و ایمان و ملت درک کنند و سهم خود را در تقویت جبهه مبارزه حق طلبانه مردم ایران بوجهدهد که برنده و موضع شایسته خود را در این حرکت اشغال نمایند



نظارات خود رژیم در شهرها

به دنبال ابواب خروشان نظارات خود رژیم استبداد و شاه که در هفته های اخیر بسیاری از شهرهای ایران را در بر گرفته اند اینک گزارشگران متحد " از گسترش بازهم بیشتر این نظاهسرات خبر می دهند .

در آستانه ۱۶ آذرماه (روز حماسه دانشگاه) در منطقه تارک تبریز ابواب گشوده های از مردم بعنوان اعتراض به وضعی گری های رژیم نسبت به دانشجویان آزاد بخواه یک راه پیمایی آرام را برگزار کردند . در حوالی جدان هفت حریف میباشند . گارد شهرهای معتزین را محاصره و کنند اما نشاند و آرامش مردم بیبانه نهادیم به گرازانوس دهد امکان برگزاری نظارات فراهم می آید و چند تن از مبارزین پیمانان به ترتیب طی سخنانی به سخنانی ها و بیعت ها و رژیم علیه جوانان و دانشمندان میسر است اعتراضی کنند .

شب ۱۷ آذرماه ده های شورمان ساری به عنوان اعتراض به اقدامات اعتراضی رژیم علیه جنبش دانشمندی و به خامسب رژیم دانشمندی (۱۶ آذر) در خیابانهای ساری به راه می افتد و طبقه رژیم دیکتاتوری شماری دهند . نظارات پر شور جوانان بسا محوم ما هوای پامس ساواک و دستگیری ده ای از آنها دور می شود . از سرزنش دستگیر شدگان اعلامی در دست نیست . شب ۲۶ آذر نیز در دهها نمر از همین روستان در دزفول به راه می افتد و طبقه رژیم اعتراضی و سیاسی ضد ملی و ضد مردمی آن شماری دهند و یکصد آزادی میسر را از قلم مبارزان وطن فروش و خوارستانی شوند و پیش از آن که ما دوران پامس انگستان بدخله و بیبانه میباید به موقع برانگه می شوند .

توطئه رژیم برای بازداشت و تصحید روحانیون آزاد بخواه

رژیم هر روز در امته سیاست بیبانه و سرکوب می افزاید و از تصحید ۱۲ تن از روحانیون آزاد بخواه که در هفته ها و ماههای اخیر به طریق مخالفت خود را با رژیم نور و اغتشای اعلام کرده بهانه اعتراض خود را در معای و محافل مذهبی بلند کرده اند و نمونه ای از نظارات این سیاست است . غمبهرهای رسیده حالی است که رژیم تاکن تنها موفق به دستگیری آنتاللی خلخالی در قم شده و استبداد مردم دیگر روحانیون مبارز را از دست پامس برنده شاه دور کرده اند .

اعتصاب فرهنگیان تهر میسر

روز دوشنبه ۱۳ آذر فرهنگیان تهر در مقابل ساختمان وزارت آسم زشو و ورزش اجتماع کرده و خواستار افزایش حقوق و سایر مزایای خود شدند که رئیس آوزشو و ورزش تهرین بلا نامه در محفل حاضر و با فرهنگیان دربار خواسته های آنان مذاکره کرد و در پایان گفت نمایش کار خود بر مید ماخواست های شما را برآورده می کنم .